

باسمه تعالی

- ۱..... نکته ای راجع به صحیح زراره در مسئله قبل: اختصاص به تیمم بدل از وضو
- ۲..... مسئله ی تداخل در تیممات
- ۳..... فرمایش محقق خویی: حقیقت واحده یا متعدده بودن اغسال
- ۳..... دو قول از قائلین به مبنای حقائق متعدده بودن غسل
- ۴..... مختار محقق خویی: صحت تداخل به دلیل مطلوب واحد بودن غسل
- ۵..... مناقشه در کلام محقق خویی
- ۵..... کشف خلاف در متعلق غسل
- ۶..... مختار سید یزدی: صحت غسل در صورت اشتباه در تطبیق
- ۶..... مختار محقق خویی: بطلان غسل
- ۷..... مختار استاد: صحت غسل به دلیل خطای در تطبیق

موضوع: تداخل در تیمم / احکام تیمم / تیمم

خلاصه مباحث گذشته:

در جلسه ی گذشته در بحث مجنب متیمم، مختار استاد بقای تیمم در صورت حدث اصغر بود. سپس وارد مسئله ی تداخل در تیممات شده اند که در این جلسه به تفصیل آن مسئله پرداخته می شود.

متن تقریر

بسم الله الرحمن الرحيم

نکته ای راجع به صحیح زراره در مسئله قبل: اختصاص به تیمم بدل از وضو

کلمه ای از بحث سابق راجع به صحیح زراره مانده بود که حضرت فرمودند :

« عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع يُصَلِّي الرَّجُلُ بِتَيْمُمٍ وَاحِدٍ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ كُلَّهَا فَقَالَ نَعَمْ مَا لَمْ يُحْدِثْ أَوْ يُصِيبِ الْمَاءُ »^۱.

عرض کردیم که برخی این حدیث را مخصوص تیمم بدل از وضو دانسته اند و آن را شامل تیمم بدل از غسل که محل بحث ما است نمی دانند. گفته شد که به ذهن ما هم همین قریب می آید؛ گرچه این معنا را به صورت منحصر اثبات نمی کنیم. پس از مراجعه به اصل حدیث پی بردیم که همان معنا اقرب به ذهن است و بعید نیست که متعین باشد؛ زیرا در این حدیث قبل از اینکه راوی از خواندن نماز های شب و روز با تیمم سوال کند، از خواندن نماز های روز و شب با یک وضو سوال کرده است.

۱ استبصار، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۱۶۳.

حضرت نیز در جواب آن را جایز دانسته اند. لذا قرینه است بر اینکه مراد سائل همان تیمم بدل از وضو می باشد. بنابراین غلبه، صدر روایت و ذیل روایت که بحث وضو را مطرح می کند، سه قرینه بر حمل این روایت بر تیمم بدل از وضو است و اطلاق گیری از این روایت بسیار مشکل است. اینک به ذکر تمام روایت روایت می پردازیم:

« مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع يُصَلِّي الرَّجُلُ بوضوءٍ وَاحِدٍ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ كُلِّهَا قَالَ نَعَمْ مَا لَمْ يُحْدِثْ قُلْتُ فَيُصَلِّي بِتَيْمُمٍ وَاحِدٍ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ كُلِّهَا قَالَ نَعَمْ مَا لَمْ يُحْدِثْ أَوْ يُصِيبَ مَاءٌ قُلْتُ فَإِنْ أَصَابَ الْمَاءُ وَ رَجَا أَنْ يَقْدِرَ عَلَى مَاءٍ آخَرَ وَ ظَنَّ أَنَّهُ يَقْدِرُ عَلَيْهِ كُلَّمَا أَرَادَ فَعَسَرَ ذَلِكَ عَلَيْهِ قَالَ يَنْقُضُ ذَلِكَ تَيْمُمَهُ وَ عَلَيْهِ أَنْ يُعِيدَ التَّيْمُمَ قُلْتُ فَإِنْ أَصَابَ الْمَاءُ وَ قَدْ دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ قَالَ فَلْيَنْصَرِفْ وَ لِيَتَوَضَّأْ مَا لَمْ يَرْكَعْ فَإِنْ كَانَ قَدْ رَكَعَ فَلْيَمُضْ فِي صَلَاتِهِ فَإِنَّ التَّيْمُمَ أَحَدُ الطَّهَوْرَيْنِ^۱ ».

این روایت از روایات پر اهمیت نزد محقق خویی است. البته نمی توان بر برداشت از این روایت برهان آورد، صرفاً استظهاراتی است که به عنوان منبّه مطرح می شوند. خلاصه اینکه با نگاهی به تمام روایت می توان گفت که مربوط به تیمم بدل از وضو است و اطلاق گیری از آن نسبت به تیمم بدل از غسل مشکل است. غالب مردم نیز در این باره سوال می کنند.

مسئله ی تداخل در تیممات

مرحوم سید فرموده اند:

« مسألة ٢٥: حكم التداخل الذي مر سابقا في الأغسال يجري في التيمم أيضا؛ فلو كان هناك أسباب عديدة للغسل يكفي تيمم واحد عن الجميع و حينئذ فإن كان من جملتها الجنابة لم يحتج إلى الوضوء أو التيمم بدلا عنه و إلا وجب الوضوء أو تيمم آخر بدلا عنه^۲ ».

ما دلیل کلام سید را اطلاق ادله ی بدلیت دانستیم. امثال سید غسل غیر جنابت را مغنی از نمی دانند لذا امر به وضو نیز می کنند. «و إلا وجب الوضوء أو تيمم آخر بدلا عنه^۳».

۱ الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۳، ص ۶۳.

۲ العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج ۱، ص ۵۰۸.

۳ العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج ۱، ص ۵۰۸.

فرمایش محقق خویی: حقیقت واحده یا متعدده بودن اغسال

محقق خویی این بحث را مطرح کرده است که آیا غسل حقیقت واحده است یا حقائق متعدده؟ اگر حقیقت واحده باشد مانند باب وضو خواهد بود که تنها یک تکلیف بر عهده ی مکلف می باشد. تداخل در این صورت مطابق قاعده است و نیازی هم به دلیل زائی نیست. اما اگر اغسال را حقائق متعدده دانستیم، در تداخل یا عدم تداخل تیمم بدل از آن اختلاف خواهد بود.^۱

فراמוש نشود این تعدد حقائق هم به لحاظ غایات نیست؛ بلکه به لحاظ اسباب آن هاست، جنابت یک غسل را واجب می کند و مس میت یک غسل دیگری را واجب می کند. ظاهر صحیحه زراره نیز همین است:

«عَلَىٰ بَنِي إِسْرَٰهِيْمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَىٰ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: إِذَا اغْتَسَلْتَ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ أَجْزَاكَ غُسْلُكَ ذَلِكَ لِلْجَنَابَةِ وَالْجُمُعَةِ وَ عَرَفَةَ وَ النَّحْرَ وَ الْحَلْقَ وَ الذَّبْحَ وَ الزِّيَّارَةَ وَ إِذَا اجْتَمَعَتْ عَلَيْكَ حُقُوقٌ أَجْزَاها عَنْكَ غُسْلٌ وَاحِدٌ»^۲.

اینکه امام علیه السلام در این روایت تعبیر به حقوق کرده است، کاشف از حقائق متعدده بودن اغسال است. علاوه بر اینکه مرتکز عرفی نیز حقائق متعدده بودن را تایید می کند. اگر کسی روز جمعه غسل کرد و فراמוש کرد که نیت غسل جمعه کند ارتکاز عرفی بعید می داند که همان به حساب غسل جمعه هم بهره مند شده باشند. مجزی بودن برای نماز مورد بحث نیست؛ ولی شکی نیست که در عرف او را محروم از غسل جمعه می دانند. عرف می گوید می تواند برای بهره مندی از ثواب برود دوباره غسل کند. همین مثال شاهد تعدد است. شیخنا الاستاذ مرحوم آیت الله تبریزی نیز غسل را مانند وضو حقیقت واحده می دانست که ما همین نقض را به ایشان کردیم.

دو قول از قائلین به مبنای حقائق متعدده بودن غسل

اگر اغسال را حقائق متعدده دانستیم، اجزاء یک غسل از تمام اغسال دیگر، یعنی تداخل در مسیبات؛ طبق این مبنا دو نظر در تداخل وجود دارد:

نظر اول این است که در عین اینکه چند تکلیف بر عهده ی مکلف آمده است، اگر یکی از این اغسال را به جا آورد و غافل از سایر اغسال شود، همین غسل برای سایر اسباب نیز کفایت می کند. محقق خویی قائل بدین نظریه است. ایشان به اطلاق

۱ موسوعة الامام الخوئی، السید أبو القاسم الخوئی، ج ۱۰، ص ۴۰۵.

۲ الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۳، ص ۴۱.

صحیح زرارہ تمسک می کند «إِذَا اجْتَمَعَتْ عَلَيْكَ حُقُوقُ أَجْزَائِهَا عَنْكَ غُسْلٌ وَاحِدٌ»^۱ فرقی نمی کند اینکه همه ی اغسال را نیت کنیم و یا اینکه فقط یکی از آن ها را نیت کنیم.

نظر دوم این است که اجزاء، مشروط به قصد است؛ اگر مکلف همه ی اغسال را نیت کند مجزی است، ولی اگر نیت نکند مجزی نمی باشد. مشهور و سید یزدی رحمه الله از قائلین بدین نظریه هستند.

مختار محقق خوئی: صحت تداخل به دلیل مطلوب واحد بودن غسل

محقق خوئی فرموده است: بنابر نظر ما که اجزاء را قائل هستیم، تداخل صحیح است؛ زیرا مجزی بودن انجام یک غسل از سایر اغسال نزد شارع، کاشف از آن است که آنچه در خارج مطلوب است، تنها یک غسل می باشد. از کفایت یک غسل از دیگر اغسال بدون نیاز به قصد آن ها، کشف می شود که مطلوب شارع در خارج واحد است.

اما بنابر نظریه ی دوم که برای اجزاء، قصد را شرط می دانند و قاعده ی تداخل مسببات را مطرح می کنند؛ نمی توان قائل به تداخل تیممات شد. زیرا طبق این مبنا مطلوبات شارع عدیده هستند. اگر کسی فقط قصد غسل جنابت کند، غسل حائض از او ساقط نخواهد بود؛ چرا که هر کدام مطلوبی جدای از مطلوب دیگری نزد شارع است. در غسل دلیل خاص وجود دارد که غسل واحد کافی است، لکن در تیمم دلیلی بر کفایت از سایر تیممات نداریم؛ لذا نمی توان قائل به اجزاء شد. تنها دلیل اطلاقات بود که فرض این است که آن ها را ناتمام دانستند. بنابراین طبق این نظریه یا باید اطلاق ادله ی بدلیت را قبول داشته باشیم، یا باید مطلوب خارجی را نزد شارع واحد بدانیم. لذا طبق مبنای سید و مشهور که نیت همه ی اغسال را شرط می دانند، اغسال مطلوبات عدیده هستند؛ لذا به تداخل در اغسال به دلیل اینکه دلیل خاص دارند اکتفاء می شود و داخل در تیممات را نمی توان پذیرفت.

محقق خوئی فرموده است ما نظریه ی دوم را قبول نداریم؛ لذا به راحتی می توان تداخل در باب تیمم را صحیح دانست؛ ایشان نه از باب اطلاق بدلیت و نه از باب وحدت حقیقت غسل، تداخل را صحیح می دانند، بلکه در نظر ایشان اگر اغسال را حقائق متعدده نیز بدانیم، اکتفاء به یک غسل صحیح است؛ زیرا مطلوب را واحد می دانند. وقتی مطلوب واحد شد، تیمم نیز چنین خواهد بود و همین حکم را خواهد داشت.

۱ الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۳، ص ۴۱.

مناقشه در کلام محقق خویی

تعلیقہ ی ما بر فرمایش محقق خویی دو نکته است:

۱. انکار اطلاقات بدلیت تیمم صحیح نیست. اطلاقات از نظر ما تمام است. لذا دیگر نیازی هم به بحث حقیقت واحده یا متعدده بودن اغسال نداریم.

- بنابر اینکه اطلاقات را نیز قبول نداشته باشیم کلام ایشان ناتمام است؛ اینکه ایشان اغسال را حقائق متعدده می دانند صحیح است و ارتکاز و روایات زرارہ نیز بر همین مطلب دلالت می کند؛ لکن اینکه ایشان مطلوب خارجی را واحد می داند و به «یجزیک» تمسک می کند صحیح نیست.

یجزیک مربوط به باب صلات است. به نظر ما هم یجزیک اطلاق دارد و قبول می کنیم، لکن یجزیک مربوط به باب نماز است. یعنی یجزیک فقط بدین دلیل است که مانع نماز برطرف شود، اما اینکه از یجزیک مطلوب واحد بودن را بفهمیم، اشتباه است. محقق خویی می فرماید مطلوب واحد است یعنی شارع چند تا امر ندارد بلکه فقط یک امر در خارج دارد.

کشف خلاف در متعلق غسل

«مسألة ۲۶: إذا تیمّم بدلاً عن أغسال عديدة فتبين عدم بعضها صحّ بالنسبة إلى الباقي و أمّا لو قصد معیناً فتبين أن الواقع غیره فصحتہ مبنیة علی أن یکون من باب الاشتباه فی التطبيق لا التقييد كما مرّ نظائره مراراً».

شخصی تیمم بدل از اغسال متعددی کرده است، سپس کشف شد که اشتباه کرده است؛ به عنوان مثال اصلاً در روز جمعه غسل جنابت و غسل جمعه و روز عرفه و مس میت انجام می دهد. سپس کشف می شود که آن روز عرفه و جمعه نبوده است. مرحوم سید می فرماید نسبت به سایر اغسالی که صحیح بوده است تمام است. صحت غسل به قصد امر است که همان قصد امر واقعی مراد است. مکلف سائر اغسال را ضمیمه کرده است این مضر به غسل نیست.

«أمّا لو قصد معیناً فتبين أن الواقع غیره فصحتہ مبنیة علی أن یکون من باب الاشتباه فی التطبيق لا التقييد»

اما اگر قصد یک غسل معین مثل جمعه کند، بعد معلوم شود که غسل جنابتی در کار نبوده است، آیا این غسل جمعه او صحیح است یا خیر؟! گاهی هم اتفاق می افتد که شخص فراموش کرده است که جنب است. غسل به نیت دیگری می کند و معلوم می شود که آن نیز اشتباه بوده است. اگر آن درست باشد مشکلی نیست. ولی در صورتی که آن نیز اشتباه بوده باشد اختلاف است و بحث خطای در تطبیق را باید مطرح نمود.

۱ العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج ۱، ص ۵۰۸.

ایا اینگونه نیت کردن وی به نحو تقیید بوده است؟ یعنی او فقط غسل جمعه را دوست داشت و انجام داد و اصلا هیچ کاری به سایر اغسال نداشت؟ در این صورت به صورت تقیید است و کشف خلاف آن موجب عدم صحت آن خواهد بود. تقیید یعنی اگر قرار بود این غسل نباشد به هیچ وجه غسل نمی کرد. سید فرموده است باطل است؛ زیرا امری را قصد کرده است که وجود ندارد. روز جمعه را قصد کرده است و حال آنکه اصلا جمعه نبوده است.

مختار سید یزدی: صحت غسل در صورت اشتباه در تطبیق

اما اگر به نحو تقیید نباشد و صرفا تطبیق باشد، بنابر نظر سید یزدی غسل این شخص صحیح است. زیرا شخص امتثال امر خدا را نیت کرده است. امر خدا موجود بوده است، او فقط خطای در تطبیق کرده است. در اصل غسل کردن خطا نکرده است. اگر خواسته باشیم نیتی را تحلیل کنیم اینطور تحلیل می کنیم که غسل می کنم چون خدا امر کرده است و امر کرده به غسل جمعه؛ این تطبیق است. ارتکاز شخص قصد همان امر خداست. بنابراین این فرمایش محقق یزدی است که در فروع زیادی در عروه مطرح شده است.

مختار محقق خویی: بطلان غسل

محقق خویی و برخی دیگر از محشین عروه اشکال می کنند که در هر دو صورت غسل شخص باطل است؛ چرا که اینجا از باب خطای در تطبیق نیست. میزان خطای در تطبیق مخصوص جایی است که مکلف مامور به را آورده است، لکن در خصوصیت آن خطا کرده باشد.^۱ مثل اینکه شخصی فکر می کرد که پولی ندارد و رفت حج مستحبی انجام داد، هنگام رفتن، حج را به نیت امر استحبابی به جا آورد در حالی که بر عهده ی او حج واجب بوده است. خطای در تطبیق این است که عملی را که به جا می آورد امر دارد، خطای در نیت امر نکرده باشد، لکن خطای در تطبیق کرده باشد. اما زمانی که در خود مامور به خطا کرده باشد، دیگر جای خطا در تطبیق نیست. مانند اینکه شخصی بدهکار زید بوده است و پول را به عمر داده است، ادای دین نشده است. آن پولی که به عمر داده است ادای دین زید نیست. بنابراین ضابطه ی خطای در تطبیق و عدم خطای در تطبیق این است که عملی را که انجام داده است مامور به است یا نیست. اگر مامور به باشد و در خصوصیت خطا کرده باشد خطای در تطبیق است و اشکالی ندارد. اما اگر خطا در اصل مامور به باشد؛ یعنی مامور به را به غیر مامور به اشتباه کرده باشد جای خطای در تطبیق نیست.

۱ موسوعة الامام الخوئی، السید أبو القاسم الخوئی، ج ۱۰، ص ۴۰۷.

ایشان سپس یک مقدمه را اضافه کرده است که در امور قصدیه اختلاف حقیقت آن امور به قصد است. ایشان فرموده است اگر به جای نماز ظهر، گفته است که چهار رکعت نماز عصر می خواند، قاعده ی اولی بر بطلان این نماز است؛ زیرا اختلاف حقیقت نماز عصر و ظهر به قصد است؛ لذا این نمازی که خوانده شده است مامور به نیست. ایشان فرموده است در این اموری که واقعیت هایشان فرق می کند مامور به ها با غیر مامور به ها تفاوت خواهند داشت. در محل بحث ما نیز تیمم بدل از غسل جمعه حقیقتی مباین با حقیقت تیمم بدل از غسل جنابت است. زیرا حقیقت این امور به قصد است.

این مثال مانند همان دینی است که به زید داشته است و به عمر داده است. گمان می کرد که این مامور به تیمم بدل از غسل جمعه است و آن را قصد کرد، در حالی که مامور به تیمم بدل از غسل جنابت بود. این خطای در تطبیق نیست. در خطای در تطبیق باید خود عمل مامور به باشد، ولی در اینجا خود عمل مامور به نیست. در نظر ایشان امر استحبابی از خصوصیات است و مامور به را دو تا نمی کند. حقیقت آن ها واحد است لکن در استحباب یا وجوب آن ها اختلاف است.

مختار استاد: صحت غسل به دلیل خطای در تطبیق

به نظر ما فرمایش ایشان در بیان قاعده کلی متین است؛ لذا در کبری بحث نداریم؛ ما می گوئیم هر کجا شخص عملی را که آورده است، مصداق مامور به نباشد مجزی نیست. مواردی مجزی است و داستان خطای در تطبیق مطرح است که عملی را که آورده است مامور به باشد. مشکل در قصد عامل است. به نظر ما فرض مورد بحث خطای در تطبیق است زیرا ذات عمل مصداق مامور به است. این تیممی را که این زن می کند تیمم مامور به است. واقعا این تیمم امر دارد. شارع به این زن گفته است تیمم کن؛ زیرا جنب است. با اینکه خودش خبر ندارد ولی این عمل مصداق مامور به است. او خیال می کند که این مامور به بودن را درست فهمیده است. فکر می کند که مامور به و مطلوب شدن آن عمل به امر اغتسل للجمعه است و فقط از این جهت اشتباه کرده است. اصل مامور به بودن آن خطا نیست، بلکه فقط تطبیق آن خطاست. مامور به بودن آن واقعی است و در اصل مامور به بودن خطا نکرده است و اگر می دانست قصد امر را نیز به صورت صحیح می کرد، ولی صرفا اشتباه در تطبیق کرده است.

ما برای صحت عبادت به دو چیز نیاز داریم: حسن فعلی و حسن فاعلی. در فرض محل بحث حسن فعلی دارد؛ زیرا وظیفه اش تیمم است. حسن فاعلی هم دارد؛ زیرا در حقیقت قصد کرده است که برای خدا به جا آورد، لکن برای خدا بودن را اشتباها روی غسل جمعه تطبیق کرده است. بنابراین ما در ارتکازمان واضح است کسی که غسل مس میت بر ذمه ی اوست و با این حال تیمم بدل از غسل جمعه می کند، (فرض بر این است که تیمم بدل از غسل جمعه مشروع باشد)، این تیمم مامور به است.

این مأمور به را به صورت قریبی آورده است لکن در مقام قریبی بودن اشتباه کرده است و این موجب بطلان عمل نمی شود. بنابراین فرمایش محقق یزدی را قبول داریم.

برخی حتی اگر نیت به صورت تقیید هم باشد صحیح دانسته اند که به بررسی آن در جلسه ی آینده خواهیم پرداخت.